

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



# تئوری های توسعه و انتقال تکنولوژی

# نئوکلاسیک ها

• به توانایی کارکرد نیروهای بازار اعتقاد داشته و مخالف هر گونه دخالت در سازوکار بازار می باشند.

• آنها معتقدند چنین دخالتی اختلال در نظام قیمت ها را به همراه داشته و موجب تخصیص ناکارای منابع و کاهش کارایی و رفاه خواهد شد.

• آنها همچنین بر ایجاد فضای مناسب برای رقابت بین بنگاه های اقتصادی تأکید زیادی دارند.

• مقررات زدایی، خصوصی سازی و انعطاف در بازار کار مباحثی هستند که نئوکلاسیک ها به آن توجه دارند.

• آنها معتقدند که تجارت خارجی به مثابه موتور رشد اقتصاد است.



# آثار تجارت خارجی بر رشد صنعتی

تجارت خارجی انتقال تکنولوژی، مدیریت و تخصص را میسر ساخته و موجب انتقال سرمایه می شود.

تجارت خارجی و برداشتن موانع گمرکی و تعرفه ای، فضای سالم برای رقابت بین بنگاه های اقتصادی را فراهم می آورد.

کالا های سرمایه ای، ماشین آلات و مواد اولیه را فراهم می آورد.



به عقیده نئوکلاسیک ها، در جریان صنعتی شدن یک کشور در حال توسعه، بیش از هر چیز دیگر، کارایی تولید از نظر **هزینه** اهمیت دارد و می بایست کالایی تولید شود که در سطح بین المللی دارای برتری نسبی در هزینه تولید باشد.

از نظر نئوکلاسیک ها، کشور های در حال توسعه می بایست به صنایعی که در آنها از مزیت نسبی برخوردارند و صنایع جا افتاده توجه داشته باشند.



# علل عدم موفقیت کشور های در حال توسعه در جریان صنعتی شدن از دیدگاه

مداخله بیش از اندازه دولت در اقتصاد

انتخاب راهبرد درونگرا و عدم شرکت فعال  
در تجارت بین المللی

اعمال حمایت های نامناسب از صنایع  
داخلی

- نئوکلاسیک ها مخالف دخالت دولت در روابط بازار بوده و در بلند مدت به توانایی های بازار برای نیل به تخصیصی کارا اطمینان دارند و معتقدند هرگونه دخالت و برنامه ریزی از سوی دولت در جهت رفع ناکارایی های کوتاه مدت، در چگونگی امر رقابت اختلال ایجاد کرده و انگیزه بنگاه ها را برای متحول نمودن ساختار سازمانی شان تضعیف می کند.

# مکتب ساختار گرایان

- اصطلاح ساختار گرا برای اولین بار در نظریه های توسعه برای اشاره به نظرات گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین مورد استفاده قرار گرفت.
- این گروه را رائل پره بیش که در اواخر دهه 1940 و در طول دهه 1950 مسائل اقتصادی آمریکای لاتین را مورد تحلیل قرار داد، هدایت می کرد.
- از دیگر صاحب نظران این نظریه می توان به آلبرت هیرشمن، سمیر امین، والراشتاین اشاره کرد.



# ساختار گرایان

روابط نابرابر  
مبادله بین المللی

وابستگی

به عقیده ساختارگرایان یکی از مهمترین علل عقب ماندگی کشور های در حال توسعه، وابستگی این کشور ها به کشور های پیشرفته می باشد.

## 5 نوع وابستگی بین کشورهای در حال توسعه و کشور های پیشرفته از دیدگاه ساختارگرایان

وابستگی به  
شرایط  
بازار

اجرایی یا  
مدیریتی

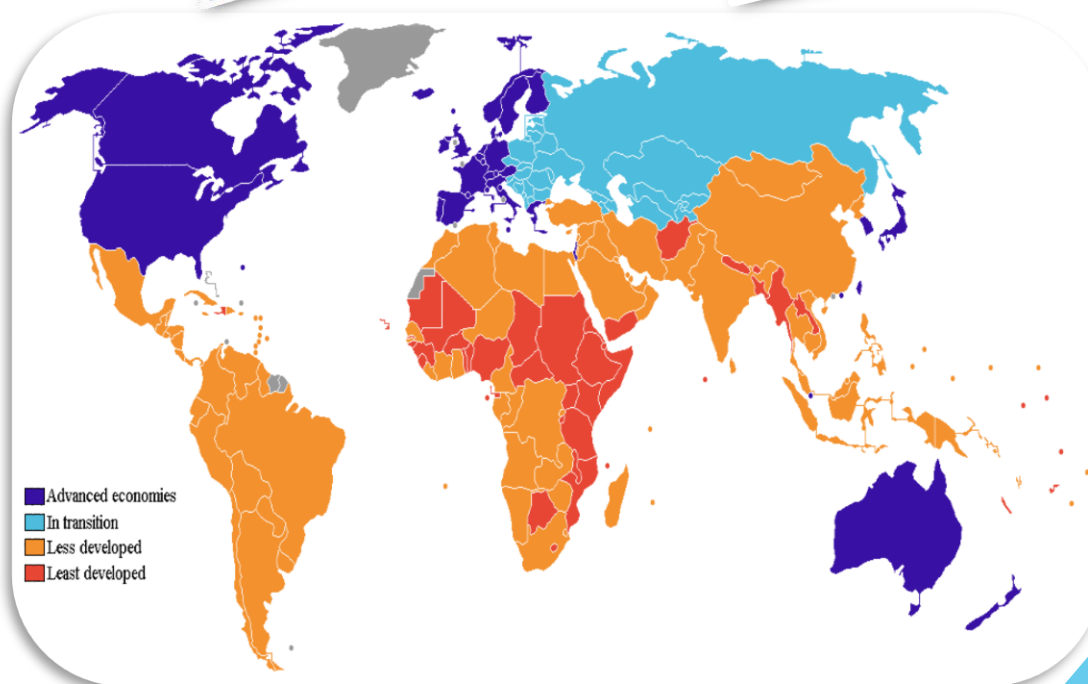
تکنولوژیکی

مالی

تجاری

ساختار گرایان معتقدند که کشور های در حال توسعه باید با تکیه بر راهبرد جایگزینی واردات، بسوی توسعه صنعتی گام بردارند.

مشخصه معمول افکار ساختار گراها این است که ماهیت مناطق و یا اقتصاد تک تک کشور های در حال توسعه با کشور های توسعه یافته متفاوت است و تحلیل جداگانه ای را طلب می کند.



- اگر چه ساختار گرایان در فرایند توسعه صنعتی تأکید زیادی روی راهبرد های درونگرا دارند، در برخی موارد و شرایط خاص راهبرد های برونگرا را به منظور کسب تکنولوژی های بین المللی و حضور در بازار های رقابتی به کار می گیرند.

- دولت در موفقیت فرآیند توسعه صنعتی بر اساس راهبرد درون گرا نقش بسزایی را ایفا می کند.

- از این رو ساختار گرایان بر لزوم دخالت دولت به منظور ایجاد و ارتقای ساختار صنعتی تأکید دارند.

# عناصر عمده نظریه و سیاست های ساختار گرا

پیوند با اقتصاد جهانی و  
رابطه مبادله

تغییرات ساختاری  
مرتبط با صنعتی شدن

تکنولوژی

انباشت سرمایه

نقش دولت در توسعه



# تکنولوژی و ساختار گرایان

ساختار گرایان معتقدند که وابستگی تکنولوژیکی مسائل متعددی را ایجاد می کند:

1

- تکنولوژی گران قیمت و منسوخ شده

2

- تکنولوژی نامناسب

3

- فقدان قابلیت های تکنولوژیکی محلی

## نتیجه گیری قاطع و خلل ناپذیر ساختار گرا



توسعه مهمتر از آن است که به دست بازار سپرده شود.  
دولت باید نقش فعالی در ارتقای توسعه اقتصادی داشته  
باشد.

# نظریه وابستگی

این نظریه در جامعه‌شناسی توسعه مطرح است. استدلال طرفداران این نظریه آن است که ساختار نظام بین‌المللی، به شدت فرصت‌های توسعه را برای کشورهای توسعه نیافته زایل می‌کند.

محور اصلی نظریه وابستگی عبارت از این است که مطالعه توسعه جوامع جهان سوم به صورت انتزاعی و جدا از توسعه کشورهای پیشرفته، واقعیت‌های روند توسعه را نمی‌تواند به دقت نشان دهد.

نظریات وابستگی به صورت عمده از اندیشه‌های پل باران در واپسین سال‌های دهه 1950 نشأت گرفته است. علاوه بر آن شکست برنامه اکلامو و نیز بحران مارکسیسم در آمریکا لاتین در دهه 1960، در شکل‌گیری مکتب وابستگی مؤثر بودند. برخی معتقدند نظریه وابستگی، پاسخی انتقادی به نظریات آدام اسمیت (1776) بود. بر اساس مکتب اسمیت، بازرگانی بین‌المللی موجب تخصص منطقه‌ای و کاهش تعرفه‌های گمرکی گشته، حداکثر امکانات را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند.

## مفروضات نظریه وابستگی

این تقسیم کار به وسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیای توسعه یافته دائمی گردیده است.

اقتصاد و جامعه در بخش عمده‌ای از دنیای در حال توسعه، به شکل کامل تحت تأثیر این واقعیت قرار دارند که این کشورها در اصل به منزله تولیدکنندگان مواد خام و مصرف‌کنندگان محصولات صنعتی در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند.

عوارض این معضل اقتصادی به قلمرو اجتماعی و سیاسی هم سرایت می‌کند.

همین ادغام پابرجا در اقتصاد جهانی، موجب انحرافات جدی اقتصاد داخلی در جهان سوم می‌شود.

# نظریه نئولیبرالیسم

- رویکرد ساختارگرا نسبت به مسئله توسعه اقتصادی از اواسط دهه 1960 مورد حمله فزاینده ای قرار گرفت.
- کمی قبل از آغاز دهه 1980، ساختار گرایی بوسیله نئولیبرالیسم جایگزین شده بود.



- نئولیبرال ها این نظر ساختار گرایان را که شرایط غالب در جهان سوم ضرورت توسعه یک نظریه خاص را ایجاب می کند، رد می کنند.
- نئولیبرالیسم، در تقابل مستقیم با ساختار گرایی به قوانین عام و فراگیر توسعه اقتصادی توجه دارد.
- تأکید نظریه نئولیبرال ها بر فرد و بر تعامل آزاد نیرو های بازار است.
- نئولیبرال ها بر کوتاه مدت تأکید می کنند با این اعتقاد که "بلند مدت" خود را تأمین می کند.
- نئولیبرال ها با تکیه بر بازار به مثابه بهترین داور در مورد قیمت ها و کارایی ها، توصیه می کنند که دولت باید رویکرد عدم مداخله را برای توسعه در پیش گیرد.
- تصمیمات باید به عهده افراد در بخش خصوصی گذاشته شود و دولت فقط باید آن کالاها و خدماتی را فراهم کند که در غیر این صورت توسط بخش خصوصی فراهم نخواهند شد.

# عناصر عمده نظریه نئولیبرال

تحریف قیمت ها،  
عدم کارایی را  
بوجود می آورد.

آزادسازی تجارت، اقتصاد  
کارا تری را بوجود می آورد.

نقش مستقیم  
دولت در اقتصاد  
باید تقلیل داده  
شود.

# سیاست های فتوایی پیرامون آنها

# سوسیالیسم

انواع سوسیالیسم

✓ سوسیالیسم

تخیلی

✓ سوسیالیسم علمی

خاستگاه سوسیالیسم

بحرانهای اقتصادی  
مکرر و شرایط وخیم  
کارگران در اوایل قرن  
نوزدهم

مفهوم سوسیالیسم

طیف متنوعی از اندیشه  
ها و متفکران، که تنها  
ویژگی مشترک آنها اعتقاد  
به "لزوم برابری بیشتر  
برای انسانها و افزایش  
نقش کارگران در اداره  
جوامع" است.

# مبانی فکری سوسیالیسم

کار، یگانه منشأ ارزش  
کالاها و محصولات

مالکیت؛ هسته مرکزی  
نابرابری ها

کار به قدر استعداد و  
خرج به قدر احتیاج

هدایت اقتصاد توسط  
دولت

مبادلات سریع تر یافته های علمی و تکنولوژیک بین همه ی بنگاه های تولیدی در

نظام برنامه ریزی متمرکز



# متفکران سوسیالیست توسعه



سمیر امین



آندره فرانک



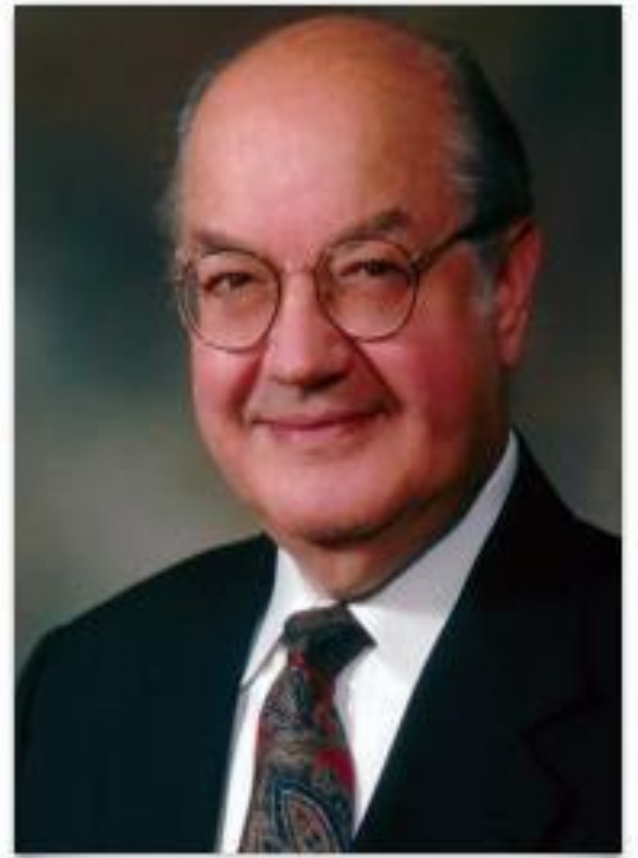
امانوئل



پل باران

# سوسیالیسم و توسعه

بررسی کارایی اصول  
سوسیالیسم برای تحلیل  
مسائل معاصر توسعه نیافتگی



## اجزای اصلی این تئوری

انتقال دائم مازاد اقتصادی  
از پیرامون به اقتصادهای  
پیشرفته سرمایه داری

پایین بودن درآمد  
سرانه و انباشت  
سرمایه

وقوع توسعه اقتصادی با سرمایه گذاری مجدد مازاد در سطح ملی و  
توزیع برابر بازده تولید

ابتناء تجارت میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای  
توسعه نیافته بر مبادله نابرابر

فعالیت انحصارگرایانه سرمایه داران در کشورهای توسعه نیافته  
عدم تمایل به ایجاد سرمایه داری پویا و رقابتی

تسلط این سرمایه داران بر قدرت سیاسی و حفظ وضع موجود

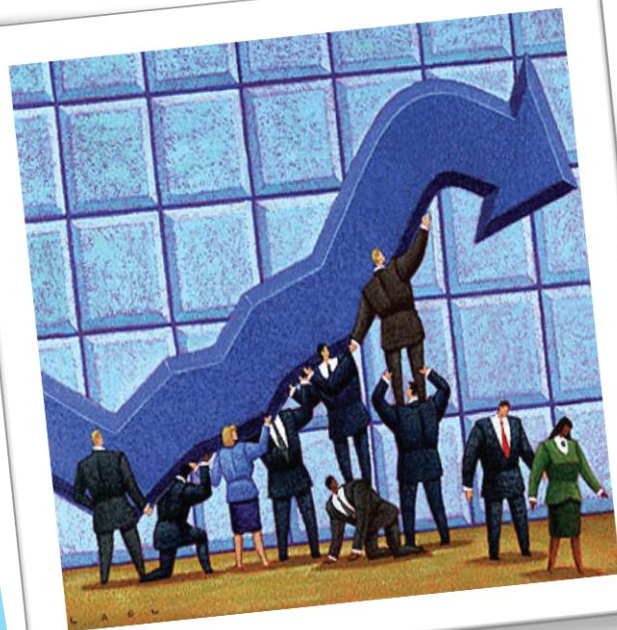
برای توسعه اقتصادی: توده ها جایگزین طبقات حاکم به وسیله  
انقلاب سیاسی-اجتماعی، ایجاد نظامی سوسیالیستی به جای سرمایه  
داری وابسته

# نهادگرایی (مفهوم نهاد)

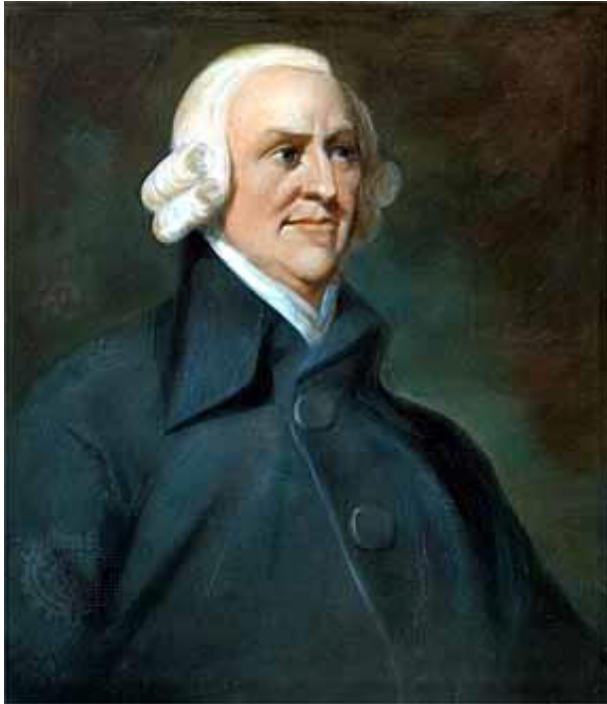
• نهادها:

✓ مجموعه ای از قوانین ، مقررات و هنجارهای رفتاری شکل دهنده به تعاملات اجتماعی و اقتصادی

قید و بندهای تعیین کننده رفتار اقتصادی مردم نهادها چارچوبی را که انسانها در آن به تعامل می پردازند، فراهم می کنند. آنها روابط را به صورت همکاری و رقابتی می سازند که تشکیل دهنده جامعه و به طور خاص نظم جامعه باشد.



# سیر تاریخی و پیشینه تفکر نهادگرایی



اگر به ریشه‌های «اندیشه نهادگرایی» رجوع کنیم، به بنیانگذاری علم اقتصاد در قرون هجدهم و نوزدهم و «آدام اسمیت» و دیگر بنیانگذاران علم اقتصاد می‌رسیم. این افراد توجه ویژه‌ای به نهادها داشتند چون ساز و کار عملکرد اقتصادی هر جامعه با این نهادها معین می‌شود.

آدام اسمیت می‌گوید: اگر در جامعه نهادهای آزاد مشوق تولید وجود داشته باشد، ثروت تولید شده در جامعه بیشتر می‌شود و جامعه رشد می‌کند و ثروت ملل افزایش می‌یابد.



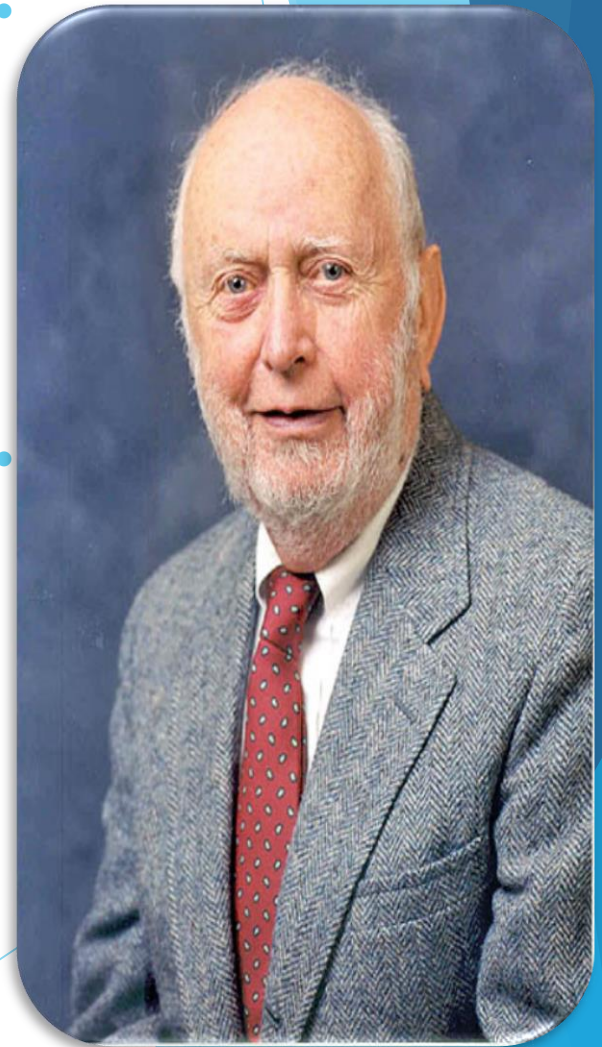


# سیر تاریخی و پیشینه تفکر نهادگرایی



- اقتصاد نهادگرایی قدیم، با انتشار «نظریه طبقه مرفه» اثر تورستین وبلن در سال پایانی قرن نوزدهم پا به عرصه وجود گذاشت و با آثار افرادی مانند کامونز، میچل و کلارک ادامه یافت.

- نهادگرایی جدید نیز توسط جیمز بوکانان، داگلاس نورث و گالبرایت تقویت شد.



# مبانی فکری مکتب نهادی

- اقتصاد به عنوان یک مجموعه کامل

- تأکید بر نقش نهادها به عنوان بخش اساسی یک فرهنگ در روش زندگی افراد

- تأکید بر استفاده از نظر تکامل داروین در تجزیه و تحلیل اقتصادی

- عدم هماهنگی در منافع افراد جامعه

- حمایت از برنامه اصلاحات اجتماعی دولت به منظور توزیع عادلانه ثروت و درآمد

- ترجیح روش استقراء بر قیاس در روش شناسی برای درک بهتر عملکرد نظام

اقتصادی

# مبانی فکری مکتب نهادی

▶ نهاد گرایان معتقدند که کشور های در حال توسعه باید با تکیه بر راهبرد صنعتی شدن از راه یادگیری در جهت توسعه صنعتی گام بردارند.

▶ آنها بین مفاهیم تقلید، اختراع و نوآوری تمایز قائل شده و معتقدند توسعه صنعتی کشور های در حال توسعه عمدتاً از طریق تقلید یا اقتباس تکنولوژی از کشور های توسعه یافته امکان پذیر است.

# نهاد‌گرایی و توسعه

لزوم لحاظ نهادها در طراحی مدل‌های توسعه به عنوان متغیری پویا

لزوم اصلاحات در نهادهای قدیمی و خلق نهادهای جدید در کشورهای در حال توسعه

نقش حیاتی نهادهایی که موجب انباشت سرمایه می‌شوند، در عین حال انباشت سرمایه تنها عامل توسعه نیست

عدم ارائه نسخه‌ای جهانشمول برای تغییرات نهادی مثبت در کشورهای مختلف

# موارد مورد تاکید نهاد گرایان

۱ • اتخاذ سیاست های حمایتی، هدفدار و زمانبندی شده

۲ • ادغام و یکپارچگی بنگاه های کوچک

۳ • شکل گیری بنگاه های توانمند

۴ • تشویق صادرات

۵ • اتخاذ سیاست رقابتی مناسب در ساختار صنعتی

۶ • ایجاد مناطق آزاد و نواحی صنعتی بخصوص در رابطه با صنایع نوین

۷ • هدایت بازارهای مالی جهت تسریع فرآیند توسعه صنعتی کشور های در حال توسعه

جوامع: سنتی و مدرن

همه ی جوامع سنتی حرکت تکاملی اجتناب ناپذیر به سمت جامعه مدرن که نقطه ی اوج آن، کشورهای غربی اند.

یک خط واحد برای پیشرفت تاریخی که در همه جا تکرار می شود و به تدریج با زوال جامعه ی سنتی جامعه مدرن بر جهان سوم حاکم می شود.

ارائه 2 راهکار درباره روند تبدیل جامع سنتی به مدرن:

مبتنی بر تحولات روانشناسانه و فردی

مبتنی بر نگرش ساختاری و کارکردگرایانه

مبتنی بر تحولات روانشناسانه و فردی:

تحول در کنش افراد

تحول در ارزش ها و باورهای افراد در جامعه سنتی  
تحول در جامعه سنتی

مبتنی بر نگرش ساختاری و کارکردگرایانه:

تحول در حوزه های

تحول در سطح کلان تر (یعنی فرهنگ جامعه سنتی)  
اجتماعی و اقتصادی و سیاسی

در واقع مدرنیست ها مقدمه ی تحول در جامعه ی سنتی را در تحول در ارزش ها و باورها و فرهنگ آن جامعه سنتی می دانستند.

جوامع سنتی دارای ویژگی های جامعه ی قرون وسطای اروپا:

ارزش مسلط = سنت گرایی

- افراد فاقد توانایی فرهنگی و فاقد قدرت انطباق با شرایط جدید
- مرجع اعمال اجتماعی: نظام خویشاوندی نه شایسته سالاری
- مهم بودن اصل و نسب و ارتباطات خانوادگی
- در هم آمیختگی مذهب و سیاست حاکم بودن ارزش های خرافی و غیرعقلانی

در مقابل ارزش های جامعه مدرن اینگونه بیان می شود:

- عقل گرایی
- فردگرایی
- جدایی دین از دولت
- علم گرایی
- لیبرالیسم
- سکولاریسم
- شایسته سالاری



مدرنیست ها ارزش های مذهبی را مهم ترین مانع برای توسعه و زوال جوامع سنتی می دانند.

آن ها به رشد اقتصادی توجه دارند و توسعه را روندی فراگیر می دانند که از حوزه ی اقتصاد به حوزه های دیگر سرایت می کند. یعنی رشد اقتصادی منجر به رشد گروه های مستقل اجتماعی و ایجاد دموکراسی می شود.

پیاده سازی این دیدگاه در کشورهای جهان سوم (ایران)، پیامدهایی دارد که به انتقادات به کارایی و مبانی نظری این نگرش منجر شده است.

شروع این انتقادات از اواسط دهه 60 و از چند منظر:

منتقدان عوامل خارجی و امپریالیسم عوامل اصلی عدم توسعه ی جهان سوم

و بر این عقیده بودند که راهکارهای مدرنیزاسیونی، تفکری اند برای تداوم سلطه ی غرب بر جهان سوم.

پست مدرن ها (انتقادات نهایی به تفکر مدرنیستی) اهداف مدرنیست ها مختص یک تمدن است و نمی توان آن را به بقیه ی

## انتقادات به مکتب مدرنیزاسیون

- ❖ اروپاییان برای رسیدن به جامعه مدرن همه ی سنت های خود را کنار گذاشتند (نوسازی و بازسازی مذهب و سنت خود) اینکه مدرنیزاسیون باید سنت ها و مذهب را از بین ببرد، بر خلاف تجربه ی خود کشورهای اروپایی است؛ پس نباید سنت ها و مدرن بودن را مقابل هم قرار داد. و در واقع مدرنیسم تغییر شکل سنت است و رشد اقتصادی و حرکت به سمت مدرنیسم نیازی به رها کردن الگوهای عمل ارزشی و اعتقادات سنتی ندارد.
- ❖ نقد بیش فرض های تکاملی و کارکردگرایانه مدرنیست ها (اعتقاد مدرنیست ها حرکت تکاملی جوامع از سنتی به مدرن، مداوم، تک خطی، موزون، اطمینان بخش و سرایت کننده است).
- باور منتقدان وجود راه های مختلفی برای رسیدن به توسعه بر اساس نحوه ی تأثیر و تأثر ارزش های سنتی و مدرن در جوامع مختلف (نحوه ای که ارزش های سنتی و مدرن روی جوامع مختلف تأثیر می گذارند با از آن ها تأثیر می گیرند).
- در واقع الگوری تک خطی مدرنیست ها با تجربیات تاریخی همخوانی ندارد. دگرگونی اجتماعی در شرایط ویژه ای که برای هر جامعه متفاوت است اتفاق می افتد و از روی تجربه ی کشورهای مختلف، روند توسعه در این کشورها به نتیجه ی یکسانی نرسیده و همیشه این روند، موزون و مداوم و اطمینان بخش نیست و ممکن است به بحران های مختلف بینجامد.

## ❖ نقد نحوه ی دگرگونی جوامع سنتی از نظر مدرنیست ها :

- ساده انگارانه و فاقد زمینه های تاریخی و مؤلفه های ساختاری
- مدرنیست ها غافل از نابرابری قدرت و طبقات اجتماعی و ساختار این روابط
- عدم کفایت تأکید بر عوامل داخلی و به عنوان تنها عامل تحول و نیاز به توجه به نقش عوامل خارجی (مانند استعمار، نظام بین الملل، کنترل شرکت های چند ملیتی در اقتصاد جهان سوم، الگوهای نابرابر تجارت در جهان)
- منتقدان بر این باورند که این عوامل در روند توسعه جهان سوم مؤثرند. همچنین نظریه پردازان مکتب وابستگی انتقال دائمی مازاد از جامعه توسعه نیافته به جوامع توسعه یافته را عامل اصلی عدم انباشت سرمایه در کشورهای توسعه نیافته می دانند.

## ❖ نقد شناخت شناسی و روش شناسی مدرنیست ها

روش شناسی و متدولوژی (methodology)

انتزاعی و عدم توجه به پیشینه تاریخی و ویژگی های کشورها و دارای تفکر معرفت شناسی پوزیتیویستی مبتنی بر اعتقاد به امکان علم الاجتماع عاری از ارزش، اعتقاد به قوانین علم اجتماعی فراگیر، اعتقاد به کمیت انباشتی معرفت و امکان صدور این اعتقادات به جهان سوم.

## ❖ نقد ایدئولوژی مدرنیست ها

ایدئولوژی جنگ سرد (مبتنی بر قوم مداری بر

اساس غلبه غرب به شرق)

این نقد ها اغلب توسط نئومدرنیست ها و یا نظریه پردازان مکتب وابستگی بیان شده اند. و به دنبال آن ها پست مدرن ها بخش دیگری از فرضیات مدرنیست ها را نقد کردند:

❖ **نقد هدف واحد برای توسعه ی همه جوامع** اهداف نظریه های توسعه و نوسازی (آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و ...) در غرب ساخته شدند، برای یک تمدن اند و در متن آن تمدن معنا دارند. (مفاهیم کلی نیستند) نمی توان در علوم اجتماعی به نظریه ی واحدی رسید.

با وجود این انتقادات الگوی مدرنیزاسیونی توسعه با چالش های جدی رو به رو می شود.

به تدریج مطالعات توسعه ای از مفروضه های مدرنیستی فاصله گرفته و چارچوب نظری جدیدی به وجود می آید که شامل تحلیل پیچیده تری درباره توسعه جهان سوم است.

## چارچوب نظری جدید

- به دنبال اصطلاحات و مفاهیم جدید برای مطالعه ی جهان سوم زیرا دو کلمه ی سنتی و مدرن ناکافی اند.
- به دلیل اینکه ارزش های بومی (همچون ارزش های مذهبی» مدرنیست ها سنتی») نقش مهمی در اهداف، راهکارها و روند توسعه دارند توجه به این ارزش ها برای سیاست گذاری توسعه در این نظریات جدید
- بازگشت به تاریخ اتخاذ روش شناسی متفاوتی برای جهان سوم:
- ▶ بررسی موردی کشورها به جای تعمیم الگوهای انتزاعی بر همه کشورها
- ▶ توجه به زمینه های تاریخی و اقتصادی هر کشور به طور مستقل
- ▶ توجه به نقش تاریخ جوامع در الگوهای متفاوت توسعه در راهکارهای رسیدن به اهداف توسعه
- ▶ عدم تجویز یک نسخه ی واحد برای توسعه ی کشورها
- ارائه تحلیل پیچیده و چندمتغیری در خصوص تحول جوامع در جهان سوم در باب راهکارهای رسیدن به توسعه:
- ▶ توجه به زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کنار

## نظریه رشد روستو

- نسخه ای از مکتب مدرنیزاسیون برای مدرن کردن تمامی جامعه بشری

شامل 5 مرحله:

- ❖ جامعه سنتی
- ❖ پیش شرط ها
- ❖ جهش (خیز اقتصادی)
- ❖ حرکت به سوی کمال
- ❖ مصرف انبوه

## جامعه سنتی

توضیح کمی درباره مفهوم جامعه سنتی  
تکنولوژی قبل از دگرگونی قرن 18

کار اسحاق نیوتن  
عناصر حساب دیفرانسیل

بر مبنای نگرش ها و  
راهنمای تغییر (فرمول بندی قانون گرانش و  
بعد از نیوتن مردم به طور گسترده اعتقاد داشتند که:  
«جهان تابع چند قانون قابل درک است و به طور سیستماتیکی قابل  
دستکای و بهره برداری است.»

## پیش شرط ها

برای صنعتی سازی پایدار  
تغییرات بنیادی در سه بخش غیر صنعتی:

- افزایش در حمل و نقل برای توسعه بازار و تخصصی کردن تولید
- یک انقلاب کشاورزی برای تغذیه جمعیت در حال رشد شهری
- توسعه در واردات شامل سرمایه با تأمین مالی از طریق صادرات برخی منابع طبیعی

این تغییرات (شامل افزایش تولید سرانه)، نیازمند یک نخبه سیاسی علاقه مند به توسعه اقتصادی (علاقه شدید باید توسط یک ملی گرا باشد)

## جهش (خیز اقتصادی)

مرحله میانی یک جهش و انبساط واقعی در طول 20 تا 30 سال که به طور بنیادی اقتصاد و جامعه ی یک کشورها را تحت تأثیر قرار می دهد.

در این مرحله فشارهای اعمال شده برای گسترش پیشرفت های اقتصادی جامعه، در نهایت موانع رشد پایدار را از بین می برند. و اینگونه رشد از شرایط معمول جامعه می شود.

مرحله جهش از دوره های مهیج تاریخ است. همچون:

- انقلاب صنعتی انگلیش در اواخر قرن 18
- خط آهن پش از جنگ داخلی و توسعه کارخانجات در ایالات متحده
- دوره بعد از انقلاب 1848 آلمان
- سال های پس از استقرار مجدد می جی در 1868 ژاپن



## سه شرط مهم برای جهش:

- رشد سرمایه (به عنوان درصدی از تولید خالص ملی) به سرعت از 5% یا کمتر به 10%
- رشد سریع حداقل یک بخش تولیدی مهم (مثال: در سه دهه آخر قرن 18، صنعت نساجی در انگلیس، آمریکا، فرانسه، آلمان، کانادا و روسیه: رشد خط آهن و توسعه بازارها یک محرک قوی برای صنایع زغال سنگ و آهن)
- ایجاد چارچوب های سیاسی، اجتماعی و سازمانی برای بهره برداری از توسعه در بخش های پیشرفته

## حرکت به سوی کمال

- دوره ای از رشد به دنبال جهش می آید و به صورت منظم و پشتیبانی شده است.
- نیروی کار:
- عمدتاً شهری اند.
  - مهارت او در حال افزایش و کمتر مختار است .
  - بیشتر وابسته به امور اداری اند.
  - در جهت تأمین امنیت اقتصادی هستند.

## مصرف انبوه

نشانه های این مرحله (ظهور در ایالات متحده در دهه 1920 و اروپای غربی در دهه 1950):

- ظهور اتومبیل
- افزایش شهرنشینی
- کالای مصرفی با دوام بی شمار
- تجهیزات آن دوه

از نظر روسته سایر جوامع ممکن است یک دولت مرفه و یا قدرت نظامی و سیاسی بین المللی را ترجیح دهند.

نظریه روستو در دهه 1960 در بین کارگزاران دولتی ایالات متحده و مؤسسات حمایتی بین المللی معمول بود زیرا پس از شروع جدی تزریق کمک های خارجی یک رشد پایدار در کشورهای کمتر توسعه یافته.

اما در بین محققین نظریه روستو نیاز به بازنگری داشت متهم به بلندپروازی بیش از حد بود.

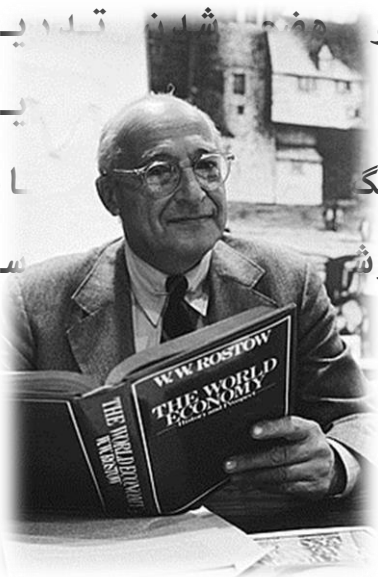
دروموند: «شاید هیچ نظریه ای از چنین اساس ناچیزی برای سازماندهی حقیقت و تحلیل دقیق، این چنین رواج و گستردگی نیافته

- مورخ اقتصادی دیگری ، کراس معتقد است تنها کسی می‌تواند یک جهش ناگهانی و یا انقلاب صنعتی را باور کند که دانش تاریخی او ناکامل، ناآزموده و منسوخ باشد. کراس می‌گوید که بسیاری از شرایط روستو چنان مبهم تعریف شده‌اند که به هر نمونه قابل تعمیم اند و وی تنها وقتی حاضر به پذیرش استثنائات است که جهش در زمانی غیر از پیش بینی تئوری وی اتفاق بیافتد اغلب فرضیه روستو در درباره شرایط جهش، در تناقض با داده‌های تجربی است.

- افزایش در نرخ های سرمایه گذاری و رشد طی ۲۰ تا ۳۰ سال انتخابی وی برای جهش، اتفاق نمی‌افتد. رشد در نرخ سرمایه‌گذاری‌ها و تولید خالص ملی در بریتانیا، آلمان، سوئد و ژاپن به جای یک جهش ناگهانی، یک شتاب کند و تقریباً یکنواخت را نشان می‌دهد.

- روستو وقتی یک جامعه با مصرف انبوه با مشخصه های اتومبیل،

• مکتبی نیز در برابر مدرنیزاسیون قد علم کرد که به نوعی تمامی تفکرات این مکتب را زیر تیغ تیز نقد خود قرار می دهد. یکی از بزرگترین پیامد های اجرا شدن سیاست های مدرنیزاسیون را شاید بتوان از بین رفتن و حذف شدن تدریجی فرهنگ بومی زیر فشار بی امان فرهنگ فرهنگی امریکایی دانست. در نظر نگرفتن فرهنگ بومی کشورهای در این مکتب و به خصوص در نظریه رشد را می توان جزء نقص های آن به شمار آورد.



روستو

## وابستگی

تعاریف متعددی از وابستگی صورت گرفته است. رایج ترین تعریف وابستگی نئومارکسیستی از داس سانتوس به صورت زیر می باشد:

- یک موقعیت مشروط کننده که در آن اقتصاد یک گروه از کشورها به وسیله توسعه و گسترش دیگر کشورها مشروط می شود. رابطه ی وابستگی متقابل بین دو یا چند کشور یا بین چنان کشورهایی و نظام تجارت جهانی تبدیل به یک رابطه وابسته می شود که برخی ممالک می توانند از طریق خود انگیختگی توسعه یابند؛ در حالی که دیگران که در یک موقعیت وابسته قرار می گیرند، تنها می توانند به عنوان بازتابی از توسعه کشورهای مسلط توسعه یابند و این امر ممکن است بازتاب های مثبت یا منفی بر توسعه بلافصل آنها داشته باشد.

- وابستگی پدیده ای برون مرزی است و رابطه ی وابسته از خارج

- توسعه نیافتگی و وابستگی همواره در کنار هم وجود دارند و نمی‌توان وجود یکی را بدون دیگری تصور کرد. پدیده واحد وابستگی و توسعه نیافتگی بر دو عنصر اصلی متکی است یکی ساخت عقبمانده جامعه یعنی توسعه نیافتگی که زمینه پذیرش و تحکیم رابطه وابسته را فراهم می‌آورد و دیگر تحولات جامعه مرکز که این رابطه را شکل می‌دهد (وابستگی).

- نظریه وابستگی که در برابر نظریه نوسازی (مدرنیسم) شکل گرفت و تحت تاثیر اندیشه های رائل پربیش (اقتصاددان آرژانتینی و مدیر کمیسیون اقتصادی سازمان ملل در امریکای جنوبی) در اواخر دهه ۱۹۵۰ توسعه یافت.

این نظریه نشان می‌دهد که برخلاف نظریه نوسازی که بیان می‌کند راه پیشرفت تنها از طرف الگو قراردادن کشورهای توسعه یافته می‌باشد، این روند سبب شکل‌گیری اقتصاد وابسته در کشورهای توسعه یافته گشته و الگوی سیستم اقتصادی مرکز پیرامون را ایجاد می‌کند که کشور های صنعتی در مرکز این اقتصاد قرار گرفته و کشورهای در حال توسعه در پیرامون آن جای می‌گیرند. مطالعات پربیش و همکاران او نشان داد که فعالیت های اقتصادی در کشور های ثروتمند اغلب منجر به مشکلات جدی در کشور های فقیر می‌گردد.

## مفروضات نظریه

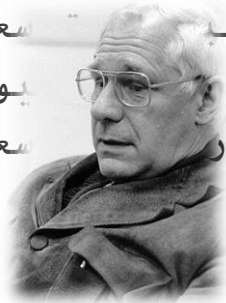
به طور عمده نظریه وابستگی بر چهار فرض مبتنی است:

- (1) اقتصاد و جامعه در بخش عمده‌ای از دنیای در حال توسعه، به شکل کاملاً تحت تأثیر این واقعیت قرار دارند که این کشورها در اصل به منزله تولیدکنندگان مواد خام و مصرف‌کنندگان محصولات صنعتی در اقتصاد جهانی ادغام شده‌اند.
- (2) این تقسیم کار به وسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیا توسعه یافته دائمی گردیده است.
- (3) همین ادغام پابرجا در اقتصاد جهانی، موجب انحرافات جدی اقتصاد داخلی در جهان سوم می‌شود.
- (4) عوارض این معضل اقتصادی به قلمرو اجتماعی و سیاسی هم سرایت می‌کند.

**آندره گوندر فرانک** یکی از برجسته ترین نظریه پردازان وابستگی معتقد است علت توسعه یافتگی را باید در روابط ساختاری که در طول تحولات اقتصادی اجتماعی بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته کنونی موجود است، دنبال کرد.

کشورهای ثروتمند یک مرکز (متروپل) را تشکیل داده اند که کشورهای اقماری (جهان سوم) پیرامون آنها را گرد آمده اند و در حالی که اقتصادشان به اقتصاد کشورهای پیشرفته وابسته است، خودشان عمدتاً دچار فقرند.

البته انتقاداتی هم به نظریه وابستگی شده که به دلیل این است که این نظریه با تاکید بیش از اندازه بر رابطه استعماری، دیگر جنبه توسعه نیافتگی را به فراموشی سپرده است. این مکتب در برابر مکتب یون شکل گرفت. پیام اصلی مکتب وابستگی این بود که توسعه اروپا توسعه نیافتگی فعال دنیای غیر اروپایی را به دنبال داشت.





## نظریه وابستگی از دو منبع اصلی ناشی می شد:

اولین منبع آن تفکر نئومارکسیستی و دومین منبع آن تحقیقات سازمان ملل متحد برای آمریکای لاتین بود.

**کلسو فورتادو**، یکی از اندیشمندان مکتب وابستگی معتقد است از قرن ۱۸ام کشور های پیرامون متخصص ساخت محصولات اولیه شده و تا زمانی که واردکننده کالاهای مصرفی حاصل از پیشرفت فنی کشورهای مرکزی غرب هستند؛ دریک منطقه محصور غرب خواهند بود.

• اندیشمندان مکتب وابستگی معتقدند که کشورهای مرکز با گرفتن منابع اولیه و ارزشمند کشورهای پیرامون به دلیل مزیت تکنولوژیکی و نیروی کار ماهر و ... با اضافه کردن ارزش به منابع اولیه، همان ها را به کالای نهایی تبدیل کرده و دوباره به قیمت های گزاف به کشورهای پیرامون می فروشند. رهای پیرامون به طور کامل در اختیار کشورهای مرکز است و کالاهای خ ن را می فروشند. به طور مثال ماجرای نفت خام ایران و صدها فرآورده



• از اندیشمندان این مکتب می‌وان سمیر امین، باران و همچنین پربیش نام برد. دیدگاه‌های رادیکال‌تر در مورد نظریه وابستگی توسط نویسندگان مانند اسوالدو سانکل (1972)، کلسو فورتادو (1968)، فرناندو کاردوسو (1979) و تئونتو دوس سانتوز (1970) به وجود آمد و از طریق آثار و نوشته‌های آندره گوندر فرانک در کشورهای انگلیسی‌زبان رایج شد.

• فرانک منتقد اصلی اقتصاد توسعه و نظریه مدرنیزاسیون بود. فرانک در اواسط دهه ۱۹۶۰ منتقد این دیدگاه و بسیاری از پژوهشگران بود که کشورهای توسعه نیافته معاصر، شبیه مراحل اولیه کشورهای توسعه یافته کنونی اند. بسیاری از این پژوهشگران مدرنیسم در کشورهای در حال توسعه را به سادگی پذیرش سیستم‌های اقتصادی و سیاسی توسعه یافته در اروپای غربی و آمریکای شمالی دیده‌اند. فرانک عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را حاصل نفوذ سرمایه داری مدرن در ساختارهای اقتصادی جهان سوم می‌دانست. همچنین او معتقد بود توسعه اقتصادی کشورهای ثروتمند، عامل عقب ماندگی کشورهای فقیر است.



رائول پربیش و  
پاول باران

فرانک معتقد بود فعالیت اقتصادی پنج گانه ذیل باعث عقب ماندگی کشورها شده است:

○ جایگزینی موسسه داخلی با کشورهای تابعه جهانی پیشرفته در تکنولوژی

○ شکل گیری یک نیروی کار غیر ماهر برای کار در کارخانه، معادن و نه مزرعه ها

○ به کار گرفتن جوانان تحصیل کرده برای پس  
اجرای مستعمرات

○ مهاجرت کارگران از روستاها به مجموعه  
ها

○ باز کردن درهای تجارت در سرمایه گذاری کشورهای توسعه یافته



## مکتب نهادگرایی

نهادگرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد.

اولین اقتصاددانان در این رابطه، تورستن وبلن، جان راجر کامونز و وزلی میچل بودند. نقدی بر اقتصاد نئوکلاسیک است؛ که به نظر نهادگرایان عناصر و فضاهای غیراقتصادی که افراد در آن تصمیم می‌گیرند را نادیده می‌گیرد. در دهه ۱۸۹۰، تقریباً بحث از اندیشه اقتصاد کلاسیک از صحنه کنار رفته و انتقاد علیه تفکر نئوکلاسیک آغاز گردید. به نظر می‌رسد دشواری‌های حاصل از کارکرد اقتصاد سرمایه داری آمریکا با رویکرد نئوکلاسیک، یکی از زمینه‌های اجتماعی بروز اندیشه نهادگرایی باشد.

در زمان بین جنگ‌های داخلی تا جنگ جهانی اول، شرایط زندگی نیروی کار تحت کارکرد اقتصاد سرمایه و خیم و فاصله فقیر و غنی بسیار شدید بود. رباخواری و رانت خواری توسط دلال‌ها و سفته‌باران فراوان و امنیت ملی کارگران مخدوش بود.

## تورستن وبلن، جان راجر کامونز و وزلی میچل



در کنار این مشکلات، ایجاد بنگاه های بزرگ و انحصاری روزه روز وسیع تر می شد. هرچه اوضاع به جلو میرفت، مفروضات نهایی گرای و نئوکلاسیک بیشتر غیر واقعی جلوه کرد.

در این دوران ، برای نیل به تغییرات اجتماعی دو روش مهم و تفاوت مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت:

- نخستین روش مبتنی بر تجزیه سازمان جامعه از طریق روش سوسیالیستی بود.
- روش دوم بر آن بود تا تغییرات اجتماعی در نظام سرمایه داری را از راه اصلاحات اجتماعی پدید آورد. در این روش هدف آن بود که شرایط موجود را از طریق دخالت دولت در اقتصاد اصلاح کند. با اعمال برنامه های اصلاحات اقتصادی امکان حفظ سرمایه داری از طریق بهبود شرایط زندگی برای طبقات کم درآمد فراهم کند و این دقیقاً پیشنهاد اقتصاددان پیرو مکتب نهادی یا نهادیون را تشکیل می دهد.

اما نهادگرایان در سالهای اخیر دوباره بر سر زبانها افتاداند.

نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۳ به افرادی رسید که نهادگرایی جدید را به وجود آوردند. داگلاس نورث و رابرت فوگل، دو اندیشمندی بودند که در سال ۱۹۳۳ با بیان مطالب مربوط به نهادگرایی موفق به کسب جایزه نوبل اقتصاد شدند.

### **داگلاس نورث نگاه متفاوت این مکتب را به توسعه بیان می‌دارد:**

برای فهم اینکه کشوری توسعه یافته یادر حال توسعه است، نیازی به اندازه گیری درآمد ملی یا سرانه نیست. کافیست به دبستان ها برویم و به روانشناسی آموزش کودکان توجه کنیم. نطفه های توسعه در دبستان ها بسته می شود، نه در آزمایشگاه ها. این انسان ها هستند که سرمایه را بارور، فناوری را ابداع و طبیعت را تسخیر می‌کنند. لذا انسانی قدرت نوآوری و خلاقیت دارد که شخصیت او در دوران کودکی با این مفاهیم خو گرفته باشد. کودکی که فقط آموخته است تقلید کند، چشم بگوید، منفعل باشد، ساکت بماند و خطوط قرمز را رعایت کند؛ چگونه می تواند در

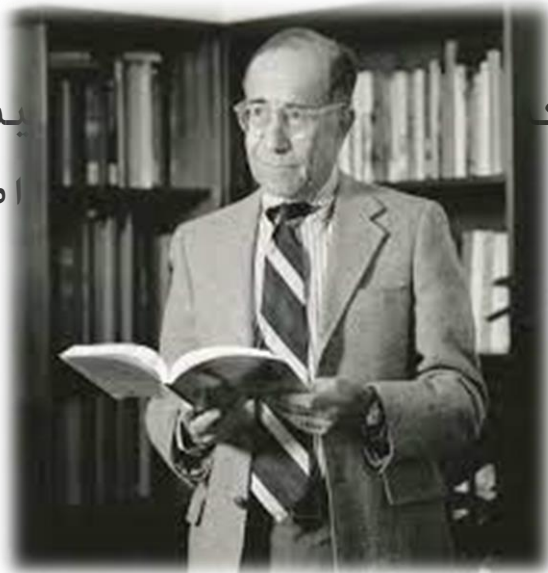


داگلاس نورث و رابرت فوگل



**چارلز ولف** معتقد است که علی‌رغم خصوصیت مشترک کشورهای عقب افتاده در داشتن تکنولوژی نا مناسب و مشکلات تشکیل سرمایه، این دو خصوصیت علت اصلی عقب افتادگی نیستند. بلکه معلول و نمودهای طبیعی عقب افتادگی هستند.

یست؛  
اصلی



مانع اصلی، کمبود اطلاعات مربوط به تک  
بلکه کمبود مؤسسات و نهادهای مناسب  
عدم توسعه یافتگی است.

## برخی از مبانی فکری مکتب نهادی

- اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمام اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد.
- در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از زمان را نمی‌توان صرفاً با بررسی اجزای آن به صورت قسمت‌های مجزا و منفصل از یکدیگر مورد بررسی قرار داد. مکتب نهادی نقش موسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد.
- نهاد تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست؛ بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است؛ که به عنوان جزء و بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته می‌شود.
- نهاد شامل رسوم، عدالت اجتماعی، قوانین، روش‌های فکری و به طور کلی روش زندگی است.
- نظریه تکامل داروین در تجزیه و تحلیل اقتصادی باید مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا جامعه و نهادهای آن، دائماً در حال تغییرند و به جای وجود تعادل، همواره حرکت تغییر وجود دارد.

- این مکتب، بر خلاف عقاید کلاسیک ها، توجه خود را به هزینه‌ها و منافع اجتماعی معطوف می‌دارد.

به عبارت دیگر، این مکتب اقتصاد آزاد سرمایه‌داری را محکوم کرده و به نقش دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم، اعتقاد دارد.

مکتب نهادگرایی در سال‌های حیات خویش تاثیرات زیادی بر اقتصاد غرب گذاشته است:

- این مکتب باعث شده تا توجه بیشتری به نهادهای اقتصادی صورت پذیرد. همچنین تک‌سویی نظریه ارتدوکس نئوکلاسیک را مورد نقد قرار می‌دهد. این مکتب باعث شده است تا مسائل مورد بحث اقتصادی جنبه پویایی بیشتری پیدا نمایند و همچنین روش‌های تئوریک و تجربی، هر دو، مورد عنایت قرار گیرند.